

اندیشه اتحاد اسلام و احیای صنعت نساجی مسلمانان قفقاز جنوبی

مطالعه موردی: کارنامه اقتصادی حاج زین العابدین تقی یف

سجاد حسینی*

استادیار تاریخ، دانشگاه محقق اردبیلی

جعفر آقازاده

دانشیار تاریخ، دانشگاه محقق اردبیلی

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۰۷ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۷/۱۱/۱۸)

چکیده

اندیشه اتحاد اسلام در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم در سرتاسر سرزمین‌های اسلامی به‌ویژه ایران، عثمانی و قفقاز ترویج یافت و طرفداران زیادی پیدا کرد. مسلمانان قفقاز جنوبی به دلیل تابعیت یک دولت استعمارگر مسیحی (روسیه تزاری) و نزاع با یک قومیت همسایه مسیحی (ارمنه) بیش از سایر مسلمانان بر هویت اسلامی خود و لزوم اتحاد اسلامی آگاه شدند. به این ترتیب، بخش شایان توجهی از نخبگان‌شان از جمله شخصیت برجسته اقتصادی حاج زین العابدین تقی یف تاجر بادکوبه‌ای در شمار طرفداران و منادیان این اندیشه قرار گرفتند. از نمودهای اقتصادی اندیشه اتحاد اسلام در نزد مسلمانان قفقاز جنوبی احیای انواع صنایع و در رأس آن صنعت نساجی توسط تقی یف بود. این نوشتار در نظر دارد با استفاده از منابع تاریخی و آرشیوی و به شیوه توصیفی-تحلیلی، صنعت نساجی مسلمان‌نشین‌های قفقاز جنوبی در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم در قالب حیات اقتصادی حاج زین العابدین تقی یف را بررسی کند و در پی پاسخ به این پرسش اساسی برآید که اندیشه اتحاد اسلام چه تأثیری بر گسترش صنایع نساجی در مسلمان‌نشین‌های قفقاز جنوبی داشت؟ یافته‌های این نوشتار نشان می‌دهد که تقی یف با الهام از اندیشه اتحاد اسلام در عرصه صنایع نساجی، رقابت آگاهانه و هدمندی را با سرمایه‌داران قدرتمند و پرنفوذ روس و ارمنی آغاز کرد. او ضمن هم‌سویی با شرکت اسلامی اصفهان، هدف‌های بزرگی چون اشتغال‌زایی برای مسلمانان سرتاسر روسیه و ایران و ترویج فرهنگ استفاده از کالاهای وطنی (اسلامی) را دنبال کرد. او بخشی از آرمان‌های اقتصادی اندیشه اتحاد اسلام را در راستای جبران عقب‌ماندگی اقتصادی مسلمانان محقق ساخت.

کلیدواژه‌ها

اتحاد اسلام، زین العابدین تقی یف، شرکت اسلامی، صنعت نساجی، قفقاز جنوبی.

مقدمه

مسلمانان در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم با مشاهده پیشرفت‌های روزافزون دنیای غرب در همه عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، افول تمدن اسلامی را بیش از پیش درک کردند و در پی علت‌شناسی و جبران این پس‌رفت برآمدند. نخبگان سیاسی و اجتماعی مسلمان چاره کار را در اتحاد یافتند و نظریه معروف «اتحاد اسلام» را برای درمان درد عقب‌ماندگی ارائه کردند. در این بین مسلمانان ساکن در زمین‌های روسیه تزاری به واسطه قرارگرفتن در زیر پرچم یک دولت مسیحی در حال پیشرفت، بیش از سایر هم‌کیشان خود در جهان این درد را حس کردند و چاره کار را در اتحاد و همبستگی مسلمانان دانستند. مسلمانان در زمین‌های شرقی و غربی روسیه پراکنده بودند؛ ولی مسلمانان غرب روسیه به‌ویژه آذری‌های قفقاز جنوبی بیش از سایر هم‌کیشان خود در روسیه فعال بودند. این اقلیت مسلمان، امپراتوری روسیه تزاری در همسایگی مرزهای دولت‌های مسلمان ایران و عثمانی می‌زیستند، تحولات این زمین‌ها را به دقت رصد می‌کردند و ارتباط تنگاتنگی با نخبگان آن دو سرزمین داشتند. آذری‌های مسلمان قفقاز جنوبی به دو مذهب تشیع (اکثریت) و تسنن (اقلیت) تعلق داشتند و به دلیل هم‌جواری و درگیری قومی - مذهبی با مسیحیان ارمنی، به‌دور از هرگونه اختلاف فرقه‌ای بر اسلامیت خویش پای می‌فشردند و از منادیان گسترش اندیشه اتحاد اسلام بودند. افزایش اهمیت نفت در جهان و رونق اکتشاف‌های نفتی در شبه جزیره آبشرون و به‌دنبال آن افزایش ثروت در جامعه آذری‌های مسلمان قفقاز، زمینه را برای حمایت مالی از این اندیشه فراهم ساخت.

اندیشه اتحاد اسلام در تقابل با قدرت روزافزون غرب ظهور کرد و از همان ابتدا به چاره‌اندیشی درباره عقب‌ماندگی مسلمانان در برابر غرب پرداخت. اقتصاد از مهم‌ترین عرصه‌های نمود عقب‌ماندگی مسلمانان در برابر غرب بود. همین مسئله نخبگان اقتصادی مسلمان طرفدار اندیشه اتحاد اسلام را به تکاپو در راستای بازسازی اقتصاد جوامع مسلمان واداشت. در این میان، گام‌هایی برای احیای صنایع مختلف برداشته شد. از نخستین صنایعی که در این جریان احیاگری مورد توجه قرار گرفت، صنعت نساجی بود. این صنعت از مهم‌ترین صنایع سرزمین‌های اسلامی در طول تاریخ بوده است. مسلمانان از همان ابتدا ارزش و اعتبار زیادی برای نساجی قائل بودند و این صنعت به‌طور گسترده‌ای در همه سرزمین‌های اسلامی رونق داشت.^۱ با رواج ماشین‌ساز در غرب، صنایع نساجی مسلمانان که بیشتر حالت دستی داشت، توان رقابت با صنایع مکانیزه غربی را از دست داد. در دوران جدید مسلمانان تلاش

۱. وجود روایت‌هایی مبنی بر تأکید پیامبر اسلام (ص) بر تجارت پارچه، اهتمام مسلمانان به صنعت نساجی را بیشتر می‌کند. چنان‌که در حدیثی منسوب به ایشان آمده است: «نه‌دهم منافع این جهان از نساجی است. اگر تجارت در بهشت آزاد باشد من در آنجا تاجر پارچه می‌شدم» (Ravandi, 2003: 59).

کردند تا فناوری‌های جدید را از غرب بگیرند و توان رقابت را بازیابند. مسلمانان قفقاز جنوبی در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم به واسطه زندگی در زمین‌های امپراتوری مسیحی روسیه تزاری و هم‌زیستی با اقوام مسیحی چون روس‌ها و ارمنه، بیش از سایر مسلمانان طعم تلخ عقب‌ماندگی را می‌چشیدند و همواره در گرفتن نموده‌های نوین تمدن غربی پیشتاز بودند. آن‌ها این فناوری را از غرب و روسیه اقتباس کردند و آن را در راستای تعالی اسلام و سعادت و نیک‌بختی مسلمانان به کار بستند.

نوشتار حاضر با بهره‌مندی از روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و اسنادی بر این پرسش استوار است که آیا صنایع نساجی مسلمان‌نشین‌های قفقاز جنوبی در اوایل قرن بیستم در راستای ترویج و تقویت اندیشه اتحاد اسلام شکل گرفتند؟ در پاسخ به این پرسش، این فرضیه مطرح است که بله، صنایع نساجی مسلمان‌نشین‌های قفقاز جنوبی در راستای ترویج و تقویت اندیشه اتحاد اسلام شکل گرفت. هر چند مسئله مربوط به صنایع نساجی مسلمان‌نشین‌های قفقاز جنوبی در قرن بیستم بارها و بارها به وسیله پژوهشگران جمهوری آذربایجان مطالعه شده است؛ اما در هیچ‌یک از این پژوهش‌ها ارتباط بین صنایع نساجی مسلمان‌نشین‌های قفقاز جنوبی و اندیشه اتحاد اسلام بررسی نشده است.

در ایران نیز به این موضوع کمتر توجه شده است. در مقاله‌ای با عنوان «اندیشه اتحاد اسلام در میان مسلمانان قفقاز جنوبی (۱۸۷۰ تا ۱۹۲۰)»^۱ نموده‌های فکری و سیاسی اندیشه اتحاد اسلام در منطقه قفقاز جنوبی بررسی شده است و تأثیرهای این اندیشه بر عملکرد نخبگان اقتصادی و صنایع نساجی این منطقه مورد توجه قرار نگرفته است. همچنین در مقاله «برآمدن سرمایه‌داری نوین ایرانی: بررسی موردی شرکت اسلامی»^۲ موضوع فعالیت صنایع نساجی قفقاز جنوبی در قالب شرکت اسلامی به صورت بسیار گذرا و تنها در حد دو خط انعکاس یافته است.

تقی‌یف، قفقاز جنوبی و اندیشه اتحاد اسلام

زین‌العابدین تقی‌یف (۱۳۴۲-۱۲۵۴ه.ق./۱۹۲۴-۱۸۳۸م.) کفاش‌زاده شیعه‌مذهب تهیدست باکوئی در اوایل جوانی به فعالیت در عرصه پیمانکاری ساختمان همت گماشت. وی پس از چندی، به فعالیت در مهم‌ترین صنعت شهر باکو، نفت روی آورد. فعالیت‌های تقی‌یف در صنعت نفت از سال ۱۲۹۱ه.ق./۱۸۷۳م. آغاز شد (Habl-al-Tarbiat, 1904, No. 333: 2, Adab, 1901, No. 6: 5; Matin, 1902, No. 24: 4). در سال ۱۸۹۶م./۱۳۱۳ه.ق. شرکت نفتی

۱. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: Dehghan Niri and Others, 2012.

۲. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: Torabi Farsani, 2014.

«تقی‌یف» در میان نود شرکت فعال در صنایع نفت باکو بیشترین میزان استخراج نفت را از آن خود کرد (Θζίζορ, 1997: 75).

اخبار موفقیت‌های تقی‌یف در صنعت نفت باکو در مطبوعات ایران و قفقاز بازتاب گسترده‌ای یافت. روزنامه ناصری در این خصوص نوشت: «قرب شهر بادکوبه در محلی موسوم به بی‌بی هیبت آقای حاجی زین‌العابدین تقی‌یف که از تجار معتبر و متمول اهل اسلام است از چاه نفتی که به تازگی می‌سازد، هر روزی هفتصد و پنجاه هزار پوت نفت در جریان است. این نفت روزانه چاه مزبور، با نرخ و فیات امروزه هر روزی ۴۵ هزار منات عایدی دارد» (Naseri, 1896, No. 28: 3).

سود حاصل از صنعت نفت باکو، تقی‌یف را به یکی از میلیونرهای نفتی این شهر تبدیل ساخت.^۱ وی بخش شایان توجهی از ثروت خویش را در راستای رشد اجتماعی و فرهنگی جوامع مسلمان به کار بست. در این باره از مطبوعات به‌عنوان مهم‌ترین وسیله ارتباط جمعی آن روزگار بهره جست. تقی‌یف در حالی که بی‌سواد بود از مترجمان متعددی برای خواندن و ترجمه مطبوعات برجسته جهان اسلام، روسیه و اروپا بهره می‌برد. این مطالعه قیاس جوامع مسلمان با جوامع مسیحی روسیه و اروپا را به ذهن تقی‌یف انداخت؛ بدین ترتیب عقب‌ماندگی مسلمانان به اصلی‌ترین دغدغه او تبدیل شد. تقی‌یف به تدریج خود را به مطبوعات مهم جهان اسلام نزدیک ساخت و در این میان، مطبوعات منتقد دولت‌های مسلمان و منادی اندیشه اتحاد اسلام در کانون توجه وی قرار گرفتند (Habl-al-Matin, 1898, No. 12: 5, Habl-al-Matin, 1902, No. 30: 2, Tarbiat, 1904, No. 338: 7).

در صدر این مطبوعات روزنامه حبل‌المتین چاپ کلکته، اصلی‌ترین روزنامه مبلغ اندیشه اتحاد اسلام قرار داشت. این روزنامه بارها از کمک‌های مالی تقی‌یف استفاده کرد. هر بار مشکلات مالی، حبل‌المتین را در آستانه توقف فعالیت‌ها قرار می‌داد؛ کمک‌های مالی تقی‌یف جان تازه‌ای بدان می‌بخشید (Habl-al-Matin, 1902, No. 31: 2). اشتراک روزنامه حبل‌المتین برای بسیاری از علمای شیعی قفقاز و عتبات از یک‌سو سبب افزایش فروش حبل‌المتین شد؛ از سوی دیگر علمای شیعه صاحب نفوذ بر عوام و خواص این مذهب را با اهمیت اندیشه اتحاد اسلام و ضرورت کاستن از اختلاف‌های مذهبی آشنا ساخت. احمد کسروی در این مورد چنین می‌نگارد: «یکی از چیزهایی که مایه رواج آن [حبل‌المتین] شد، این بود که حاجی زین‌العابدین تقی‌یف پول بسیاری فرستاد که روزنامه به علمای نجف و دیگر جاهای بی‌پول فرستاده شود. از اینجا پیوستگی میان روزنامه و علما پدید آمد. شیخ حسن ممقانی که هم‌زمان

۱. روزنامه مظفری در این خصوص نوشت: «تجار بادکوبه اغلب صاحب چاه نفت و کشتی به اصطلاح خودشان ملیان چی [میلیون چی] هستند. امثال جناب حاجی زین‌العابدین آقا تقی‌یف» (Mozaffari, 1903, No. 45:4).

با فاضل شریانی (دو مرجع تقلید) به ستایش حبل‌المتین برخاست و مردم را به خواندن آن برانگیخت» (Kasravi, 2001: 95).

تقی‌یف فارغ از هرگونه تعصب مذهبی از روزنامه‌های مهم مسلمانان اهل سنت کریمه و تاتارستان و شیعه قفقاز جنوبی حمایت کرد. وی از انتشار روزنامه ترجمان چاپ باغچه‌سرای حمایت مالی می‌کرد. این روزنامه از ۱۳۰۰هـ.ق. / ۱۸۸۳م. به مدیر مسئولی اسماعیل بیگ گاسپرالی منتشر می‌شد. از ترجمان با عنوان سخنگوی غیررسمی مسلمانان روسیه یاد شده است. اسماعیل بیگ برجسته‌ترین منادی اندیشه اتحاد اسلام در سرتاسر مسلمان‌نشین‌های روسیه تزاری بود (Swietochowski, 2002: 43).

تقی‌یف صاحب امتیاز چهار روزنامه معتبر مسلمان‌نشین‌های قفقاز جنوبی شامل کاسپی، فیوضات، حیات و تازه‌حیات بود. این روزنامه‌ها اصلی‌ترین مبلغان اندیشه اتحاد اسلام در این منطقه به حساب می‌آمدند. بزرگ‌ترین متفکران این اندیشه چون احمد آقاییف، علی‌بیگ حسین‌زاده، هاشم بگ وزیراف، علی‌مردان‌بیگ توپچی‌باشوف به‌صورت دوره‌ای جزو مدیر مسئولان و نویسندگان اصلی این روزنامه‌ها بودند (Nasari, 1896, No. 28: 3, Adab,) (Azarbaijan, 1907, No. 9: 4). هر چند سندی مبنی بر ارتباط مستقیم تقی‌یف با سید جمال‌الدین اسدآبادی یافت نشد؛ اما ارتباط تنگاتنگ و مستقیم اصحاب مطبوعات مسلمان پیرو اندیشه اتحاد اسلام و در رأس ایشان مؤیدالاسلام، گاسپرالی و آقاییف با سید جمال‌الدین اسدآبادی که همگی از حمایت‌های بی‌دریغ تقی‌یف در ترویج افکار و آرای خویش برخوردار بودند، احتمال ارتباط مستقیم تقی‌یف با سید جمال‌الدین اسدآبادی را تقویت می‌کند. همچنین به‌نظر می‌رسد به‌هنگام رانده‌شدن سید جمال‌الدین اسدآبادی از ایران و سفر او به باکو در سال ۱۳۰۵هـ.ق. / ۱۸۸۷م. زمینه ارتباط مستقیم او و تقی‌یف ایجاد شد (Avery and Others, 2008: 247-248, Azərbaycan Xalq Cümhuriyyəti Ensiklopediyası,) (2004: 103, 327, 354).

دیگر نمود علاقه‌مندی و گرایش تقی‌یف به اندیشه اتحاد اسلام در اقدام او در راستای اهدای نسخه‌های نفیس قرآن به پادشاهان مسلمان دوران خویش، مظفرالدین شاه قاجار، سلطان عبدالحمید ثانی و امیرنصرالله خان تیلور یافت. روزنامه چهره‌نما ضمن ارائه گزارشی کامل از این اقدام، آن را مصداق بارز تلاش در راستای اندیشه اتحاد اسلام دانست و در قیاسی مبالغه‌آمیز اقدام های تقی‌یف در این زمینه را ادامه فعالیت‌های تقریبی ناکام نادرشاه افشار قلمداد کرد: «نادرشاه افشار با آن همه هیاهو و زحمات و خیالات عالیه و جمع کردن علما و کلمه طیبه اتحاد که سبب شوکت، عظمت، آرامی و راحت کافه مسلمانان بود، آخر کامیاب نشد. می‌توان گفت افکار صائبه آن پادشاه مال‌اندیش در کله این جوانمرد در اتحاد اسلامیان جا دارد» (Chehrenoma, 1904, No. 3: 8).

تقی‌یف در تأثیر همین اندیشه دامنه حمایت‌های مالی خود را از محدوده محلی زادگاه خود قفقاز جنوبی به تمام سرزمین‌های اسلامی تسری داد و در نزد نخبگان مسلمان با القابی چون «ابوالمله^۱»، «پدر حقیقی ملت»، «ملت‌پرور»، «خادم دولت و ملت اسلام»، «هواخواه عالم اسلامیت» و ... شناخته شد (Hadid, 1906, No. 32: 5, Adab, 1905, No. 163: 2, Habl-al-Matin, 1903, No. 15: 4, Tarbiat, 1902, No. 271: 4, Fuyuzat, 1907, No. 6: 2).

با وجود پایبندی تقی‌یف به مذهب تشیع و ارتباط تنگاتنگ او با علمای شیعه در ایران، عتبات و قفقاز جنوبی، وی رابطه خوبی با علمای و مجامع اسلامی اهل سنت در سراسر روسیه تزاری داشت و از ایشان حمایت می‌کرد. از این علما و مجامع اسلامی اهل سنت می‌توان به این نمونه‌ها اشاره کرد: مجمع عمومی مسلمانان یالتا^۲، اداره روحانیت مسلمانان اوفس^۳، جامعه مسلمانان قره‌سوبازار^۴، مجمع مسلمانان قاسم‌اف^۵، مفتی مسلمانان اهل سنت فراقفقاز، مفتی مسلمانان اهل سنت سیمفورپول^۶ و امام اهل سنت سن‌پترزبورگ (Kamal, 1901, Nos. 15, 16: 5, Habl-al-Matin, 1902, No. 12: 1-2).

پایان انحصار شرکت‌های نساجی مسیحی روسیه

احیای صنایع نساجی در زمین‌های مسلمان‌نشین قفقاز جنوبی توسط نخبگان اقتصادی مسلمان این منطقه در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، نوعی رقابت با صاحبان صنایع نساجی روسیه تزاری که بیشتر از مسیحیان روس و ارمنی بودند به‌شمار می‌آمد. در صدر ایشان ساوا موروزوف^۷، سلطان صنایع نساجی روسیه و صاحب ۲۸ کارخانه بزرگ قرار داشت (Suleymanov, 2006: 56). برای رقابت با این غول اقتصادی نیاز به سرمایه، اعتبار و نفوذ زیادی بود. زین‌العابدین تقی‌یف، میلیونر نفتی، چنین سرمایه و اعتبار و نفوذی داشت.

وی سرمایه کار را با فروش بخش بزرگی از شرکت نفتی خویش در سال ۱۳۱۳ هـ.ق. / ۱۸۹۶ م. فراهم ساخت. موفقیت در عرصه صنایع نفتی نیز به او اعتبار لازم برای چنین فعالیتی می‌داد. چنانکه بعد از درخواست تقی‌یف مبنی بر تأسیس جمعیت سهامدار صنایع نساجی در سال ۱۳۱۴ هـ.ق. / ۱۸۹۷ م.، اداره امور ملکی قفقاز پرونده این درخواست را بررسی کرد و

۱. واژه ملت در این دوران به مفهوم ملت اسلام کاربرد داشت.

۲. Yalta: شهری در شبه جزیره کریمه

۳. Ufa: مرکز جمهوری کنونی باشقیرستان فدراسیون روسیه.

۴. Karasubazar: شهری در شبه جزیره کریمه که امروزه بیلوهیرسک (Bilohirsk) نامیده می‌شود.

۵. Kasimov: شهری در استان کنونی ریازان (Ryazan) فدراسیون روسیه.

۶. Simferopol: مرکز شبه جزیره کریمه که آق مسجد نیز نامیده می‌شود.

چنین گزارش داد: «بنا بر اظهارات گوبرناطور (استاندار/ والی) باکو، تأسیس جمعیت مذکور بسیار سودمند واقع خواهد شد. از نظر تجاری دارای اهمیت بالایی خواهد بود. شخصیت معتبر صاحبکار تقی‌یف نیز نتایج موفقیت‌آمیزی را نوید می‌دهد» (Seyidzadeh, 1998: 7). نفوذ زیاد سرمایه‌داران روس و ارمنی که از لحاظ مذهبی نیز با دولت مسیحی روسیه تزاری هم‌خوانی داشتند، کار گرفتن مجوز آغاز به کار این کارخانه را برای چندین سال متمادی به تعویق انداخت. با این شرایط، تقی‌یف توانست به وسیله افراد با نفوذ و با استفاده از ابزارهایی چون تطمیع و رشوه، مجوز تأسیس کارخانه ریسندگی را از نیکلای دوم، امپراتور روسیه بگیرد.^۱ بدین ترتیب، انحصار صنایع نساجی مسیحیان روسیه را بشکند (Aminaddole, 1975: 69, Талибзаде, 1993: 46, Tarbiat, 1904, No. 340: 5-6, Habl-al-Matin, 1902, No. 32: 5).

عملیات ساخت کارخانه نساجی تقی‌یف در سال ۱۳۱۵ هـ.ق. ۱۸۹۷م. در محل روستای زیغ^۲ باکو آغاز شد. تقی‌یف شرکت «سهامی تولید محصولات نساجی قفقاز در باکو» با سهام اولیه‌ای به ارزش ۲ میلیون منات را تأسیس کرد. مخارج اولیه طرح ۵/۳ میلیون منات برآورد شد. طرح به قدری گسترده بود که می‌توان از آن نه با نام کارخانه نساجی بلکه با عنوان شهرک صنعتی ریسندگی و بافندگی یاد کرد (Balajev, 1993: 25, Habl-al-Matin, 1902, No. 32: 5).

زمان پایان عملیات ساخت کارخانه نساجی تقی‌یف تا سه سال برآورد شد. حاج حسین تقی‌یف بادکوبه‌ای که در این زمینه تجربه و آگاهی داشت، مسئولیت رسیدگی بر عملیات ساخت و تجهیز کارخانه را عهده‌دار شد. این کارخانه به سبک کارخانه‌های اروپایی و آمریکایی ساخته و به آخرین وسائل و دستگاه‌های نساجی روز مجهز شد. در محوطه کارخانه، مدرسه، پارک، خانه و محل اسکان کارگران و دیگر امکانات شهری ایجاد شد. در آن امکان استفاده از آب آشامیدنی و چراغ الکتریکی فراهم شد. عمارت باشکوهی نیز برای اسکان تقی‌یف و میهمانان بازدیدکننده از کارخانه در کنار آن ساخته شد (The Archive Center of the Ministry of Foreign Affairs of IRI, 1902, Case 11, No. 102).

راه آهن، کارخانه را به شهر باکو متصل می‌کرد. واگن‌های این راه آهن با اسب کشیده می‌شد (Naseri, 1898, No. 13: 6-7, Tarbiat, 1904, No. 340: 5-6, Habl-al-Matin, 1902, No. 32: 5).

۱. تقی‌یف همواره با دخیل کردن اعضای خاندان سلطنتی امپراتوری روسیه تزاری در منافع مادی و معنوی فعالیت‌های خویش، توانست سدهای موجود بر سر راه اقدام‌ها خویش را بشکند و مخالفان را ناکام گذارد. وی پیشتر نیز به هنگام تأسیس مدرسه دختران مسلمان باکو با انتخاب روز تاجگذاری امپراتور نیکلای دوم، برای تأسیس بنای مدرسه و گزینش عنوان الکساندرسکی منسوب به الکساندرا فیودوروونا تزاریس روسیه توانست با بسیاری از مخالفان سرسخت به آسانی مقابله کند» (Tarbiat, 1904, No. 337: 2).

(No. 32: 5, Талибзаде, 1993: 46). مخالفان تأسیس این کارخانه در اولین روزهای کار آن در عملیاتی خرابکارانه سبب بروز آتش‌سوزی در آن شدند. کارگران آتش را خاموش کردند؛ اما به ساختمان و اموال خسارت‌هایی وارد شد (Suleymanov, 2006: 58, Сүлейманов, 1996: 10).

تقی‌یف در سال ۱۳۳۱ هـ.ق./۱۹۱۳ م. با خرید سهام شرکت روسی «منسوجات کاسپی» در پورت پتروسک^۱ و انتقال گروه اداری آن از مسکو به باکو، گام دیگری در جهت تقویت صنایع نساجی مسلمانان قفقاز جنوبی و تضعیف صنایع نساجی مسیحیان روسیه برداشت. تقی‌یف سرمایه این شرکت را دو برابر کرد و به ۲ میلیون منات افزایش داد. آنگاه در سال ۱۳۳۲ هـ.ق./۱۹۱۴ م. با ادغام آن با «شرکت سهامی تولید محصولات نساجی قفقاز در باکو»، شرکت جدیدی با عنوان «اداره کارخانجات متحده حاج زین‌العابدین تقی‌یف» را تأسیس کرد (Өзизов, 1997: 26). پیشرفت کارخانجات نساجی تقی‌یف به قدری بود که گروهی روسی بعد از نظارت و ارزیابی منطقه در سال ۱۳۳۲ هـ.ق./۱۹۱۴ م. فعالیت صنایع نساجی را یکی از عوامل پیشرفت ولایت باکو دانست (Kafkasya ve Asyay-vüsta ve Türkistan vilayetleri, Buhara ve Hive Hanlıkları Coğrafi, Siyasi, Tarihi ve Istatiki Mücmel Melumat, 1955: 7). تقی‌یف با هدف گسترش صنایع نساجی خود در قفقاز جنوبی، علی‌عسکر بیگ و محمود بیگ را برای ساخت کارخانه دیگری به تفلیس فرستاد. وجود کشتزارهای پهناور پنبه در آن نواحی، ظرفیت خوبی برای تأسیس چنین کارخانه‌ای بود (Suleymanov, 2006: 60).

اشتغال‌زایی برای مسلمانان شیعه و سنی

زین‌العابدین تقی‌یف، صنایع نساجی را ظرفیتی برای اشتغال‌زایی مسلمان می‌دیدند. مطبوعات عهد قاجار از ایجاد اشتغال این کارخانجات برای ۶ هزار تا ۱۲ هزار نفر کارگر مسلمان سخن می‌گفتند (Nasari, 1898, No. 13: 6-7, Habl-al-Matin, 1902, No. 32: 5, Талибзаде, 1993: 46). در این میان، همه مسلمانان فارغ از نوع مذهب مورد توجه بودند. در نتیجه فعالیت این صنایع، بخشی از مشکل بیکاری از شهر باکو با جمعیت بومی و مهاجران ایرانی بیشتر شیعه، برطرف شد. گزارشگر روزنامه مظفری هنگام بازدید از باکو در سال ۱۳۲۱ هـ.ق./۱۹۰۳ م. در این باره چنین گزارش داد: «[...] آدم بیچار و بیکار کمتر در این شهر دیده می‌شود. بیشتر ایرانی‌ها که سواد و خط نداشته‌اند به فابریک-کارخانه حاجی زین‌العابدین آقا تقی‌یف رفته مستخدم شده‌اند» (Mozaffari, 1903, No. 46: 3).

زین‌العابدین تقی‌یف، مسلمان شیعه مذهب صنایع نساجی باکو، با بهره‌مندی از اندیشه مترقی اتحاد اسلام، نماینده‌ای به نام حاج حسین تقی‌یف را به زمین‌های زندگی تاتارهای

۱. همان ماخاچ قلعه مرکز جمهوری داغستان.

مسلمان اهل سنت^۱ در شمال دریای خزر شامل شهرهای حاجی ترخان^۲ و قازان فرستاد تا مسلمانان بیکار را شناسایی و برای استخدام ایشان به کار در این صنایع اقدام کند. در گزارشی از روزنامهٔ چهره‌نما در این باره چنین آمده است: «به امر جناب حاجی زین‌العابدین تقی‌یف تاجر بادکوبه، حاجی حسین تقی‌یف که رئیس کل فابریک قماش‌بافی جناب تقی‌یف است به‌سوی حاجی ترخان و غزان روسیه روانه شد که از آنجا دو هزار زن و مرد و بچه و بزرگ از مسلمانان بی‌چاره برای فابریک اجاره کند و بیاورد. چون تا چندی دیگر، فابریک شبانه‌روز باید کار بکند و این جمعیت که در واقع یک محشر است، کفاف نمی‌کند» (Chehrenoma, 1904, No. 6: 5-6).

حسین تقی‌یف در نخستین مأموریت خویش حدود هفتصد نفر از تاتارهای مسلمان اهل سنت را برای کار در این صنایع وارد باکو کرد. با این وجود، این تعداد اندک انگاشته شد و وی دوباره برای تأمین نیروی کار به زمین‌های زندگی تاتارهای مسلمان اهل سنت فرستاده شد. چهره‌نما در این باره نوشت: «حاجی حسین تقی‌یف، رئیس فابریک قماش‌بافی جناب حاجی زین‌العابدین تقی‌یف، تاجر بادکوبه دو روز قبل وارد شدند. تقریباً هفتصد و کثری عملجات از زن و مرد و بزرگ و کوچک آورده‌اند. به قراری که جناب حاجی زین‌العابدین آقا تقی‌یف دستورالعمل داده‌اند باید دوباره این دو سه روزه به‌سوی غزان روسیه حرکت کنند، برای آوردن بقیهٔ عملجات فابریک که اجیر کرده است» (Chehrenoma, 1904, No. 8: 3).

نمایندگی شرکت اسلامیة

شرکت اسلامیة در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم به همت حاجی محمدحسین آقا، رئیس مفخم و حاجی میرزاعلی‌ادیب‌التجار در اصفهان تأسیس شد (Mozaffari, 1902, No. 3: 12). ادارهٔ مرکزی این شرکت در سال ۱۳۱۶هـ.ق. / ۱۸۹۸م در تهران افتتاح شد. بر اساس نظام‌نامهٔ شرکت اسلامیة در سال ۱۳۲۰هـ.ق. / ۱۹۰۲م. تنخواه سرمایهٔ شرکت ۵۰۰ هزار تومان مظفرالدین شاهی بود که به‌صورت ۵۰ هزار سهم ۱۰ تومانی ارائه شد تا افراد بیشتری قدرت خریداری سهام آن را داشته باشند (Mozaffari, 1902, No. 17: 1-2). همهٔ مسلمانان داخل و

۱. تاتارهای مسلمان اهل سنت ساکن در شمال دریای خزر و شبه جزیرهٔ کریمه و آذری‌های مسلمان شیعه در قفقاز جنوبی به‌عنوان پویاترین جوامع مسلمان زمین‌های روسیهٔ تزاری به‌واسطهٔ اندیشهٔ اتحاد اسلام و با درایت، هوشمندی نخبگان مسلمان شیعه و سنی چون حاج زین‌العابدین تقی‌یف و اسماعیل آقا گاسپرالی در پی تقریب و وحدت برآمدند. مطبوعات مورد حمایت مالی تقی‌یف چون ترجمان، چاپ باغچه‌سرای و فیوضات چاپ باکو، نقش مهمی در افزایش این همگرایی داشتند (Swietochowski, 2002: 43).

۲. حاجی ترخان، حاجی طرخان و یا هشترخان عنوان‌های تاریخی بندر راهبردی آستراخان در شمال دریای خزر است.

خارج ایران حق خرید سهام از این شرکت را داشتند؛ اما چنین اجازه‌ای به خارجی‌ان غیرمسلمان داده نمی‌شد (Mozaffari, 1902, No. 18: 4).

شرکت اسلامیة مورد حمایت روحانیان مسلمان بود. ایشان برای رونق هرچه بیشتر این شرکت دو اقدام اساسی را انجام دادند: نخست، بر منبرها مردم را به استعمال امتعه وطنی فراخواندند؛ دوم، برای جلب سرمایه به گفت‌وگو با تجار پرداختند. روحانیان برجسته برای پیشگام شدن لباس‌هایی از اقمشه وطنی بر تن کردند (Majd Al-Islam Kermani, 1971: 313, Sepehr, 1989: 946). شرکت اسلامیة که با هدف حمایت از خرید کالاهای تولیدشده در ممالک اسلامی، به‌ویژه منسوجات تولیدی مسلمانان تشکیل شده بود، در تمامی شهرهای بزرگ ایران و برخی از شهرهای بزرگ جهان چون کلکته، بمبئی، قاهره، استانبول، بغداد، مسکو و باکو که دارای جمعیت‌های مسلمان بودند، نمایندگی داشت (Sorayya, 1899, No. 49: 5).

سرانجام این شخصیت علاقه‌مند به اندیشه اتحاد اسلام به‌واسطه عهده‌داری صنعت نساجی مسلمانان سرتاسر روسیه، فعالیت در عرصه شرکت اسلامیة را بر خود فرض دانست. او در ابتدا تنها نماینده شرکت اسلامیة در باکو بود؛ اما بعدها با نمایندگی محمدحسین تاجر یزدی وکیل التجار، تعداد نمایندگان شرکت اسلامیة در باکو به دو نفر افزایش یافت.^۱ اداره مرکزی این شرکت از تقی‌یف به‌عنوان یکی از اعضای فعال شرکت اسلامیة، همواره تقدیر می‌کرد. فعالیت‌های تجاری برجسته و فروش زیاد سهام شرکت در باکو، معرفی تاجران معتبر و امین برای گشایش نمایندگی‌های شرکت در تفلیس، اردبیل و هشترخان و همچنین تلاش برای ایجاد انتقال فناوری کارخانجات نساجی تقی‌یف به اصفهان اصلی‌ترین نمودهای این فعالیت موفق بود (Sorayya, 1901, No. 4: 6).

در همین زمان، پیشنهاد نصب نشان شیر و خورشید به‌عنوان نماد یک دولت اسلامی بر تولیدات کارخانجات تقی‌یف مطرح شد. این درخواست در سال ۱۳۱۹هـ.ق. / ۱۹۰۱م. در راستای گرایش‌های این سرمایه‌گذار مسلمان زمین‌های روسیه به دولت اسلامی ایران صورت می‌پذیرفت: «در این اواخر کارخانه چیت‌سازی در بادکوبه درست کرده است. چون کالاهای آن کارخانه به ایران می‌رود مستدعی است که در ازای خدمات خود به عالم اسلام از طرف

۱. شرکت اسلامیة قوانین خاصی برای نمایندگی‌های خارجی و دو نفره داشت. در بندهای ۱۱۵ و ۱۱۷ قانون‌نامه جدید شرکت اسلامیة در این خصوص آمده است: «بند ۱۱۵: در هر جا که دو وکیل تعیین شده است در تمام امور اسلامیة باید به اطلاع یکدیگر اقدام کنند، مگر آنکه مخصوص از اداره بعضی رجوعات به یک نفر شود که در واقع شرکت اسلامیة مختاریت به او داده است که بالانفراد آن امور مخصوصه فیصله نماید. بند ۱۱۷: وکلای خارجه را سفرات علیه ایران حق رسیدگی در امورش دارد به اجازه اداره مرکزی اصفهان و هر یک از وکلای خارجه که از سال ۱۳۲۰ انتخاب می‌شوند باید تصدیق‌نامه‌چ از سفارت ایران بر درست‌کاری خود به اسلامیة بفرستند» (Habl-al- Matin, 1902, No. 37: 3-4).

دولت علیه، اجازه داده شود که علامت شیر و خورشید را در روی امتعه خود نصب کند» (The Archive Center of the Ministry of Foreign Affairs of IRI, 1900, Case 9, No. 147). پس از چندی موافقت مظفرالدین شاه از نصب علامت شیر و خورشید دولتی ایران بر روی محصولات نساجی کارخانجات تقی‌یف در نامه‌ای از سوی مشیرالدوله، وزیر خارجه اعلام شد. در بخشی از این نامه آمده است: «حسب الامر اعلی حضرت اقدس همایون شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانه بمشاریه اجازه داده می‌شود که علامت شیر و خورشید دولتی را در روی امتعه خود نصب کند. بین الاقران مباهی و سربلند باشد» (Kitabi Himem al Rijal Taqla al Jibal, 1943: 1). جشن شرکت اسلامی در باکو در ۵ ربیع الثانی ۱۳۲۰ هـ.ق. / ۱۱ ژوئیه ۱۹۰۲ م. برگزار شد. در این مراسم که فخیم‌الملک جنرال کنسول ایران در باکو و جمعی از ثروتمندان و متمولین این شهر حضور داشتند، حاج زین‌العابدین تقی‌یف موفق‌تر از همه درخشید و همه مراسم را در تأثیر سخنان و عملکرد خود قرار داد. وی در این مراسم با اشاره به منسوجات شرکت اسلامی که در محل برگزاری مراسم عرضه شده بود؛ چنین گفت: «از این متاع بازار عصبیت که دست‌باف اهالی بی‌بضاعت وطن است باید هر کس بردارد و خریداری کند و مادام الحیات از این لباس بپوشند و به غیر از این لباس به قامت مرد غیرتمند وطن‌پرست لباس دیگر نشاید» (Mozaffari, 1902, No. 17: 1-2).

نتیجه

هم‌زمان با اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم نخبگان اقتصادی مسلمان زمین‌های قفقاز جنوبی متأثر از آرا و نظریات مترقی متفکران و اندیشمندان برجسته جهان اسلام، به‌ویژه اندیشه اتحاد اسلام در پی بازسازی عظمت و شکوه گذشته تمدن اسلامی برآمدند. اصلی‌ترین نمود این رقابت در عرصه صنایع نساجی رخ نمود. در صدر این نخبگان اقتصادی، زین‌العابدین تقی‌یف (میلیونر نفتی باکو) قرار داشت. با تأسیس کارخانه نساجی در حومه باکو انحصار صنایع نساجی روس و ارمنی زمین‌های روسیه تزاری شکسته شد. این مهم به‌دلیل نفوذ بالای صاحبان این صنایع و هم‌کشی ایشان با دولت روسیه تزاری به سختی میسر شد. تقی‌یف بنیانگذار این صنایع از پیروان اندیشه اتحاد اسلام در قفقاز جنوبی بود. ارتباط با سید جمال‌الدین اسدآبادی، حمایت مادی و معنوی از پیروان اندیشه اتحاد اسلام در زمین‌های قفقاز جنوبی و دیگر سرزمین‌های اسلامی، حمایت از چاپ، انتشار و توزیع رایگان روزنامه حبل‌المتین (اصلی‌ترین جریده مبلغ اندیشه اتحاد اسلام) و انتشار قرآن نفیس مذهب و ارسال آن به پادشاهان و امرای مسلمان با هدف گوشزدکردن مسئله وحدت دولت‌های مسلمان از اصلی‌ترین نمودهای این گرایش بود. بنیان‌گذاری صنایع نساجی در زمین‌های مسلمان‌نشین قفقاز جنوبی نیز در زمینه همین اندیشه صورت پذیرفت. همکاری تنگاتنگ صنایع نساجی

مسلمانان قفقاز جنوبی با شرکت اسلامیة اصفهان و ایجاد نمایندگی این شرکت در باکو در دیگر شهرهای مسلمان‌نشین روسیه تزاری، درخواست استفاده از نشان شیر و خورشید به‌عنوان نماد یک دولت مسلمان بر تولیدات صنایع نساجی مسلمان‌نشین‌های قفقاز جنوبی و همچنین ایجاد اشتغال برای مسلمانان شیعه و سنی زمین‌های روسیه تزاری به دور از هرگونه تعصب مذهبی از نمودهای برجسته میل به اندیشه اتحاد اسلام به شمار می‌آید.

References

A) Azerbaijani

1. **Azərbaycan Xalq Cümhuriyyəti Ensiklopediyası** (2004), C1, Baş Redaktor Yaqub Mahmudov, Bakı: Lider Nəşriyyat.
2. Балајев, А. Н. (1993), **Азәрбајчан Тарихи ән Гәдим Дөврләрдән XX Әсрин Әввәлләринә Гәдәр**, Бақы: Елм.
3. Сүлејманов, Манаф (1996), **Нефт Милјончусу**, Бақы: Азәрбајчан Нәшријјаты.
4. **Kitabi Himem al Rijal Taqla al Jibal** (1943), Vol. 1, Baku: Avvlimji.
5. Seyidzadə, Dilarə (1998), **Azərbaycan XX Əsrin Əvvəllərində: Müstəqilliyə Aparan Yollar**, Bakı: Azərbaycan Respublikası Kitab Cəmiyyəti.
6. Талибзадә, Ахунд Јусиф (1993), **Сәрвәт вә Сәхавәтлә Мәшһур Чәнаб Начы Зејналабдин Тағыјевин Тәрчүмеји-һалы, Начы Зејналабдин Тағыјев**, Бақы: Азәрбајчан Нәшријјаты.
7. Əзизов, Түрјан (1997), **Азәрбајчан XX Әсрин Әввәлләриндә**, Бақы: Заман.

B) Persian

1. **Adab Newspaper** (1901), Jan. 29, No. 6, p. 5.
2. **Adab Newspaper** (1901), Mar. 5, No. 11, pp. 2-3.
3. **Adab Newspaper** (1905), Oct. 31, No. 163, p. 2.
4. Aminaddole, Mirza Ali Khan (1975), **The Travels of Aminaddole**, Edited by Islam Kazemiyeh, Tehran: Toos.
5. Avery, Peter, Gavin Hambly and Charles P. Melville (2008), **The Cambridge History of Iran**, Translated by Morteza Saqebfar, Tehran: Jami.
6. **Azarbaijan Newspaper** (1907), Apr., No. 9, p. 4.
7. **Chehrenoma Newspaper** (1904), May 16, No. 3, p. 8.
8. **Chehrenoma Newspaper** (1904), Jun. 28, No. 6, pp. 5-6.
9. **Chehrenoma Newspaper** (1904), Aug. 26, No. 8, p. 3.
10. Dehghan Niri, L., A. Forughi Abri and G. Abdollahi (2012), "Pan-Islamism among South Caucasus Muslims (1870-1920 AD)", **The History of Iran after Islam**, Vol. 3, No. 5, pp. 89-122.
11. **Fuyuzat Newspaper** (1907), Jan. 10, No. 6, p. 2.
12. **Fuyuzat Newspaper** (1907), Apr. 24, No. 15, p. 7.
13. **Habl-al-Matin Newspaper** (1898), Feb. 7, No. 12, p. 5.

14. **Habl-al-Matin Newspaper** (1902), Jan. 6, No. 12, pp. 1-2.
15. **Habl-al-Matin Newspaper** (1902), Apr. 6, No. 24, p. 4.
16. **Habl-al-Matin Newspaper** (1902), May 24, No. 30, p. 2.
17. **Habl-al-Matin Newspaper** (1902), May 31, No. 31, p. 2.
18. **Habl-al-Matin Newspaper** (1902), Jun. 15, No. 32, p. 5.
19. **Habl-al-Matin Newspaper** (1902), Jul. 20, No. 37, pp. 3-4.
20. **Habl-al-Matin Newspaper** (1903), Jan. 17, No. 15, p. 4.
21. **Hadid Newspaper** (1906), Feb. 9, No. 32, p. 5.
22. **Kamal Newspaper** (1901), Nov. 26, 27, Nos. 15, 16, p. 5.
23. Kasravi, Ahmad (2001), **History of the Iranian Constitutional Revolution**, Tehran: Sedaye Moaser.
24. Majd Al-Islam Kermani, Ahmad (1971), **History of the Iranian Constitutional Revolution**, Vol. 2, Edited by Mahmud Khalilpour, Isfahan: University of Isfahan.
25. **Mozaffari Newspaper** (1902), Jun. 21, No. 12, p. 3.
26. **Mozaffari Newspaper** (1902), Sep. 3, No. 17, pp. 1-2.
27. **Mozaffari Newspaper** (1902), Sep. 17, No. 18, p. 4.
28. **Mozaffari Newspaper** (1903), Nov. 4, No. 45, p. 4.
29. **Mozaffari Newspaper** (1903), Nov. 20, No. 46, p. 3.
30. **Naseri Newspaper** (1896), Dec. 6, No. 28, p.3.
31. **Naseri Newspaper** (1898), Jun. 21, No. 13, pp. 6-7.
32. Ravandi, Morteza (2003), **The Social History of Iran**, Vol. 5, Tehran: Rouzbehan.
33. Sepehr, Abdolhossein (1989), **Merat al Vaqaye Mozaffari**, Vol. 2, Edited by Abdolhossein Navaei, Tehran: Miras-e Maktoob.
34. **Sorayya Newspaper** (1899), Sep. 30, No. 49, p. 5.
35. **Sorayya Newspaper** (1901), Feb. 8, No. 4, p. 6.
36. Suleymanov, Manaf (2006), **Baku the Oil and Muzik City**, Translated by Samad Sardariniya, Tabriz: Akhtar.
37. Swietochowski, Tadeusz (2002), **Russian Azerbaijan 1905 1920 the Shaping of National Identity**, Translated by Kazem Firouzmand, Tehran: Shadgan.
38. **Tarbiat Newspaper** (1902), Oct. 7, No. 271, p. 4.
39. **Tarbiat Newspaper** (1904), Sep. 27, No. 333, p. 2.
40. **Tarbiat Newspaper** (1904), Nov. 2, No. 337, p. 2.
41. **Tarbiat Newspaper** (1904), Nov. 9, No. 338, p. 7.
42. **Tarbiat Newspaper** (1904), Nov. 23, No. 340, pp. 5-6.
43. **The Archive Center of the Ministry of Foreign Affairs of IRI** (1900), Case 9, No. 147.
44. **The Archive Center of the Ministry of Foreign Affairs of IRI** (1902), Case 11, No. 102.

45. Torabi Farsani, Soheila (2014), "The Emergence of Modern Iranian Capitalism: a Case Study of Islamiyeh Company", **History of Islam and Iran**, Vol. 23, No. 20, pp. 35-55.

C) Turkish

1. **Kafkasya ve Asyay-Vüsta ve Türkistan Vilayetleri, Buhara ve Hive Hanlıkları Coğrafi, Siyasi, Tarihi ve İstastiki Mücmel Melumat** (1955), Nzim bey Bin Başı Piyade, İstanbul: Askeriye Metbeesi.

